

سینمای زیرزمینی باز هم اثری بی هویت و معنا ساخت تا بار دیگر ارزش نهاد رسمی سینمای کشور آشکار شود

«بی داد»؛ نافیلمی زیر آوار شعار



کارگردان اثر حتی از کوچک‌ترین فرصت برای تخریب ساختار و نظام سیاسی نمی‌گذرد. او مدام در حال تخلیه تنش و هیجانی درونی است؛ آن قدر که احتمالاً متوجه نیست فیلم از ماهیت فیلم بودن خارج شده است

■ وقتی شعارزدگی نفس فیلم را می‌گیرد

مشکل «بی‌داد» از همین جا آغاز می‌شود. فیلم در وهله نخست نتوانسته یک روایت جذاب و منسجم بسازد و آن قدر دمدستی و سطحی روی به اصطلاح خطوط ممنوعه پا می‌گذارد که بسیاری از سانس‌هایش نه تنها تأثیرگذار نمی‌شوند، بلکه تصویری افرای در صحنه و تصنیف از چیزی ارائه می‌دهند که فیلمساز قصد نقد آن‌ها را نداشته. واقع آنکه «بی‌داد» را به اثری مرموز تبدیل می‌کند، پیرنگ‌رنگ شدن چشمه است. مهم‌ترین مشکل بی‌داد، فیلم‌نامه شتاب‌زده و قضاوت‌گر آن است.

با اینکه تکلیف فیلمساز با مواضع خودش روشن است، اما فیلم نمی‌تواند از این موضع، مسئله‌ای دراماتیک بسازد و آنچه درباره‌اش حرف می‌زند، زیر بار سنگین شعارزدگی مدفون شده است.

■ شما در حال تماشای خشم سرریز فیلمساز هستید

ببیری حتی از کوچک‌ترین فرصت برای تخریب ساختار و نظام سیاسی نمی‌گذرد. او مدام در حال تخلیه تنش و هیجانی درونی است؛ آن قدر که احتمالاً متوجه نیست فیلم از ماهیت فیلم بودن خارج شده است.

بودن خارج شده است.

او تقریباً هیچ موقعیتی را از دست نمی‌دهد؛ چه در سکانس‌های اولیه فیلم و تلاش ستی برای گرفتن مجوز و دیالوگ‌های خشک و نوخیزانه شده کارشناس موسیقی، چه زمانی که به هر ترفندی او را به پشت صحنه کنسرت بانوان می‌کشاند تا بتواند صدای مأمور خراست را به گوش مخاطب برساند؛ مأموری که به گروه موسیقی می‌گوید از بالا به شعر گیر داده‌اند و آن را مجبور می‌کند واژه «گرد» را با کلمه دیگری جایگزین کنند؛ یا سکانس ترقیب و تیرگی سر مأمور و ستی و در خورد او با نیروی انتظامی در خیابان، نحوه بازداشتش، شیوه بازجویی، اتفاق‌های داخل زندان، رابطه مأمور بازجو و حمیرا و انتشار ویدئو حمیرا و ابراز پشیمانی ستی در فضای مجازی. حتی بیرقی سهم مرد موتورسواری که قصد تعرض به ستی دارد را هم در فیلم محفوظ نگه داشته است. سکانس پشت سکانس، فیلم مدام دارد چیزی را به رخ می‌کشد؛ چیزی که بیرقی می‌خواهد ببیند آن را به عنوان وضعیت مطلق و موجود جامعه فهم کند. اما مخاطب به جای تماشای یک فیلم، در حال تماشای خشم سرریز فیلمساز است. این حال مسئله این نیست که چرا فیلمساز از این موضوعات عین‌النظر است، مسئله از جایی شروع می‌شود که خشم جای انتخاب را می‌گیرد. وقتی فیلمساز هر آنچه او را به خشم آورده وارد قصه

صبا کریمی | «بی‌داد» تازه‌ترین ساخته سهیل بیرقی از جمله آثاری است که پیش از آنکه کیفیت سینمایی‌اش محل نقد و بحث باشد، موقعیت تولیدش مورد توجه قرار می‌گیرد؛ فیلمی که خارج از قواعد رسمی سینمای ایران ساخته شده، خطوط قرمز متعددی را کنار می‌زند و مواردی را به تصویر می‌کشد که سینمای رسمی ایران امکان نمایش آن‌ها را ندارد. اما نکته اینجاست که هنر بیرقی شکست خطوط قرمز را برای خودش یک دستاورد بزرگ می‌داند؛ او می‌گوید: «بی‌داد» میان این دو مفهوم دچار خطای فزونی می‌شود؛ میان آزادی در نشان دادن و طرفدار در خلق کردن. شیرازگردی را سانسور عبور کرده، اما همزمان در چاه عمیق کلیشه، شعارزدگی و نگاه‌های تک‌بعدی سقوط کرده است.

■ در دنیای سستی چه خبر است؟

«بی‌داد» که چهارمین تجربه سهیل بیری در مقام فیلمساز است، نخستین بار در پنجاه و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کارلووی واری به نمایش درآمد و جایزه ویژه هیئت داوران این جشنواره را هم دریافت کرد. داستان فیلم درباره سستی، خواننده جوانی است که موافق پیش‌رو سد راه فعالیتش است و او را مجبور به اجرای خیابانی، پذیرفتن فحش‌های آن می‌کند. فیلم در نیمه نخست دوست، و مخاطب را به زندگی بی‌سروسامانی سستی دعوت می‌کند؛ دختری که برای خواندن شنیده‌شدن صدایش به‌دور می‌درد، اما هر بار با مخالفت روبه‌رو می‌شود.

تا اینکه به پیشنهاد یکی از دوستانش تصمیم می‌گیرد در یک رستوران زیرزمینی بخواند، اما با حضور مأموران پا به فرار می‌گذارد و چند شب بعد در میانه اجرای خیابانی با مأمور نیروی انتظامی درگیر و وارد موقعیت‌های سخت‌تری می‌شود. آن‌ان طرف ماجرا، مادر ستی زنی دائم‌الخمر را داریم که غرق دنیای خودش است و با دخترش درگیری‌های بسیاری دارد. فیلم تا این مقطع نمی‌تواند موقعیت ویژه‌ای خلق کند و قلابش به مخاطب می‌چسباند. از میانه‌های فیلم با ورود «بین» به صحنه، درام گریخت و گشاد را «بی‌داد» به مدد بازی امیر جدیدی وارد مرحله دیگری می‌شود.

کاراکتر «بین» که می‌توان رگه‌هایی از تیپ، شخصیت و لحن و «تتلو» را هم در آن دید، از راه رسیده و آمده تا هم حامی سستی باشد هم کوتاه‌های نسل خودش را در مطالبه‌گری جبران کند. اما دیگر شخصیت کلیدی قصه، حمیرا با بازی لیلی رشیدی، در حد همان تیپ آشنای زن دائم‌الخمر و روان‌پریش باقی می‌ماند. بیرقی نتوانسته از دل چنین موقعیت و گرفتاری بزرگی، رابراطه‌ای تأثیرگذار میان مادر و دختر خلق کند و در عوض، حمیرا را دستاویز ارتباط با مرد بازنوا قرار داده؛ رابطه‌ای که به شدت از فیلم بیرون می‌زند و بیشتر بهانه‌ای برای عملی شدن نیت مورد نظر فیروزماساز است تا بخشی از روال درام.

آگهی تغییرات شرکت سهامی
خاص خدمات دامپزشکی حافظ دام
توس به شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۹۴۸۶۵ و
به شماره ثبت ۲۴۰۴۷

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۵.۰۵.۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد بنا به تفویض اختیار تصمیمات حاصله از صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۵.۰۵.۱۱ اسرمایه شرکت از مبلغ ۲۸.۳۴۱.۶۳۰.۰۰۰ ریال به مبلغ ۲۰۶.۷۰۱.۶۳۰.۰۰۰ ریال منقسم به ۵۰.۶۷۰.۱۶۴ سهم ۱۰۰۰۰۰ ریالی با نام از محل تجدید ارزیابی در اظهارهای شرکت افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

گواهینامه مدرک موقت پایان تحصیلات کارشناسی اینجانب شیما لطفی فرزند محمدرضا به شماره ملی ۹۶۴۳۹۹۵۱۸ در رشته شیمی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی مشهد مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، اداره دانش آموختگان ارسال نماید.

معمولی و ضعیف در سریال‌های نمایش خانگی با نگاهی به «کلاغ»

شتاب‌زده و قابل پیش‌بینی

محمد جلیوند یکی از ایرادهای رایج در سریال‌های ایرانی، مربوط به پایان‌بندی است که معمولاً شتاب‌زده بوده و گاه مخاطبان خود را بهت‌زده می‌کند! برخلاف قسمت افتتاحیه که معمولاً جذاب و کنج‌کاو برانگیز است و مخاطب را مشتاق تماشای ادامه آن می‌کند.

سرپال «کلاغ» به کارگردانی محمدحسین مهدویان که به تازگی پخش آن به پایان رسید، در پایان بندی اش با وجود قابل پیش بینی بودن، غافلگیرکننده نبود. در سریال اقسمتی کلاغ آنچه بیش از هر چیز توجه مخاطب را به خود جلب می کرد، شیوه روایت قصه متکی بر نریشن و صدای ذهنی قهرمانش جلال بود.

در سال‌های نیمه نخست دهه ۵۰ گروه‌های سیاسی مختلف به شیوه خود دست به مبارزه علیه حکومت محمدرضا پهلوی می‌زدند، ساواک به عنوان نهاد امنیتی، مسئول سرکوب و از بین بردن آن‌ها بود. جلال به عنوان شخصیت مرکزی سریال، سرگرد ارتشی است که مأمور خدمت در مأموریت‌هاست. ضد خرابکاری می‌شود و پدرمهرساز به‌پوزی نیز یکی از رده‌بالاهای آنجاست. عقیقه سوزن شدن یک رده‌بالای قدیمی و البته امتحان پس داده در تریلرهای سیاسی است، موتور حرکت فیلم‌نامه کلاغ بود و نقطه عطف کلیدی آن به حساب می‌آید.

به عبارت بهتر، جلال در مقام صیاد، عاشق صیغ خود سایه شده و در این مسیر به مرور همه آنچه داشته را می‌بازد. نمایش روایتی از این عشق، بزرگ‌ترین چالش فیلم‌نامه کلاغ به حساب می‌آید. تا حدودی نویسنده‌اش از عهده نمایش آن برآمده‌اند؛ هر چند که قسمه در قسمت‌های میانی، فرزاد و فرودهای زیادی داشت و کلاغ افرات آمیز و تصنعی به چشم می‌آمد.

خشمی شدن سایه و ناپدید شدنش، مهم‌ترین نقطه عطف نیمه دوم سریال بود که تکانی به قاصه داد و جلال را به کنش درونی و بیرونی وادار کرد.

■ ماجرای یک انتقام شخصی

در قسمت پایانی کلاغ، مهدویان به سراغ جمع‌بندی قصه و سرنوشت شخصیت‌ها رفت که چندان غافلگیرکننده نبود به‌ویژه کنش نهایی جلال به عنوان قهرمان داستان که با توجه به پازل شخصیتی جلال و مواجهه او با مرگ عم‌انگیز سایه، شوکه‌کننده به نظر نمی‌رسید.

و به‌رو شدن جلال و به‌روزی در خانه سایه و تعریف ماجرای شب گم شدن مرموز سایه، نقطه عطف نخست قسمت پایانی سریال کلاغ بود که گرچه را باز کرد. در عین حال، وجوه به شدت فکری و اخلاقی به‌روزی را پررنگ‌تر کرد و به انجام وظیفه سازمان‌ش را رنگ و بویی از انتقام شخصی داد.

رفتن دوست سایه از ایران و تقاضای طلاق همسر جلال از او، پله پله قصه را به سمت گره‌گذاری برد و جلال را برای واکنش انفجاری نهایی آماده کرد.

ما در سریال هایی از این جنس، قصه باید جان داتر از چیزی که در کلاغ دیدیم، می بود تا شنیدن رای دیدن را نگیرد؛ اتفاقی که در کلاغ بسیار پررنگ بود و تقریباً در اغلب سکانس ها صدای جلال را به عنوان راوی می شنیدیم در حالی که در کادر دوربین چیز تازه ای نمی دیدیم؛ به جز سکانس درگیری جلال و دوست ارزشی اش با چریک های مسلح که به لحاظ کادر بندی و دکوپاژ فیلم نامه، خوب از آب درآمد و مخاطب را غافلگیر کرد. همین طور سکانس های پایانی قسمت آخر و نمای آخر که با فضای تیره و تاریک فیلم نامه همخوانی داشت.

همدان در دکوپاژ فیلم نامه و سکانس بندی آن، مؤلفه های آشنای زیرشاخه نوآر را به کار گرفته بود و این را در سایر وجوه فن آن نیز لحاظ کرده بود؛ از نواهای اندک و موسیقی ای یکنواخت که در بیشتر سکانس های فیلم شنیده می شد. تدوین کلاغ یکی دیگر از موارد بحث انگیز در ۱۱ هفته پخش آن بود که می توانست سروشکل بهتری به کلیت سریال ببخشد.

■ انتخاب بد برای یک بازیگر خوب

درباره بازیگر نقش اصلی هم باید اضافه کرد: هادی حجازی‌فر بازیگر محبوب محمدحسین مه‌دویان است که تجربه همکاری موفقی هم در ماجرای نیمروز یک و ۲ داشته‌اند. منتها این تجربه موفق در کلاغ شکل نگرفت و اساساً حجازی‌فر بازگیر مناسبی برای نقش جلال به حساب نمی‌آمد و فاصله سنی‌اش با بازیگر مقابل نیز با گیرم نه تنها حل نشده بلکه بدتر هم شده بود! این حال گاه تک‌لحظات درخشانی در بازی او دیده می‌شد؛ به خصوص در پلان‌های دونفره‌اش با محسن قاضی‌باین که در نقش پره‌وز درخشان بود و روی مری زار یکی از تیپ و شخصیت به خوبی حرکت می‌کرد. این آفرید سماوی نیز کاملاً با شخصیت سایه جفت و جور شده بود و با وجود اندک لحظات حضورش، متقاعدکننده به نظر می‌رسید.



مناقشه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله‌ای فراخوان عملیات ترمیم و بهسازی معابر سطح شهر طبقه

شهرداری طبقه رد نظر دارد فراخوان عملیات ترمیم و بهسازی معابر سطح شهر طبقه به شماره ۲۰۰۵۰۳۵۲۰۰۰۰ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

– تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ ساعت ۸ صبح
– مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ ساعت ۱۹
– مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ ساعت ۸ صبح
– زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ ساعت ۸:۱۵ صبح
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فراخوان را به مبلغ ۳۳۷،۳۹۵،۳۷۰ ریال
اطلاعات تماس و آدرس دستگاه : طبقه بلوار امام خمینی میدان شهدا ساختمان
شهرداری طبقه

روابط عمومی شهرداری طرقبه

گواهینامه مدرک موقت پایان تحصیلات
کارشناسی اینجانب تکتم نجاتی فرزند
ماشالله به شماره ملی ۹۴۲۰۷۲۱۱۳ در
رشته حسابداری صادره از دانشگاه
آزاد اسلامی مشهد مفقود گردیده
است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده
تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه
آزاد اسلامی واحد مشهد، اداره دانش
آموزشگان ارسال نماید.

پروانه بهره‌برداری به شماره ۱۳۱/۱۵۷۹۷ به تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۶ به شناسه کسب و کار ۹۰۹۵۴۶۰۴۰۰ متعلق به شرکت عمران توسعه رضوی (موسسه) به شماره ثبت ۳۳۹ و شناسه ملی ۱۳۸۰۵۵۹۹۹ مفقود گردیده و فاقد ارزش قانونی است.

آکمی مفتوی
۱۳۰۵/۸۹

برگ سبز خودرو پژو آردی مدل ۱۳۸۲ به رنگ
سبز یشمی سیر معلومی پلاک ۳۳۶۳ ج۱۷ ایران ۷۴
شماره موتور ۰۳۳۴۳۱۱۷۸۲۰ شماره شاسی
۸۲۱۳۰۲۲۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط
میشود.

مدرک دانشنامه پایان تحصیلات اینجانب
دانیال صفرزاده فرزند اسماعیل به شماره
ملی ۹۲۲۲۱۵۳۹۱ در مقطع تحصیلی
کاردانی ناپیوسته رشته تکنولوژی نقشه
برداری صادره از دانشگاه آزاد اسلامی مشهد
واحد سما مفقود گردیده است و فاقد اعتبار
می باشد. از اینبنده تقاضا میشود اصل مدرک
را به دانشگاه آزاد اسلامی مشهد- واحد سما
آداره، دانش آموختگان ارسال نمایند.

آقای محمدرضا خواجه پور دارای شماره ملی ۰۵۰۲۰۵۵۴۴۴ صادره از تربت حیدریه متولد ۱۳۱۹/۶/۱۱ فرزند محمد اسماعیل پدره میسر دارد که دانشنامه پایان تحصیلات مقطع کارشناسی پیوسته رشته شیوهی اینسان مفقود شده است. لذا به موجب این آگهی دانشنامه مذکور ابطال میشود. ازاینبده تقاضا میشود مدرک فوق را از طریق قاضی به نشانی مدیریت پربیس دانشگاه فردوسی مشهد - مدیریت امور آموزشی - اتاق ۱۱۳ ارسال ویا در صورت امکان تحویل نمایند.

آکمی مفقودی

برگ سبز اتومبیل سواری دنا EFY مدل ۱۳۹۸ به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۲۶ ایران ۸۸۴۸۶۳ و به شماره موتور ۱۴۷۸۰۴۸۳۳۸۸ NAAW۰۱E۸KE۱۷۲۹۳۷ و به شماره شاسی بنام سید محمد علوی مفقود و فاقد اعتبار است.

بدین وسیله به اطلاع می‌رسانیم
پروانه وکالت مرکز وکلا به شماره
۶۹۲۰۹ و پروانه کارشناسی
دادگستری به شماره ۳۲۹۸
متعلق به آقای ابراهیم گلستانی
به کد ملی ۳۰۹۱۱۳۰۹۲۴ مفقود
گردیده و از درجه اعتبار ساقط
می‌باشد.

مدرک دانشنامه پایان تحصیلات
اینجانب فاطمه اصلمند فرزند علی
اصغر به شماره ملی ۹۲۷۷۸۳۹۱۰ در
مقطع تحصیلی کارشناسی رشته طراحي
صنعتی صادره از واحد دانشگاه آزاد
اسلامی مشهد مفقود گردیده است و
فاقد اعتبار می باشد. از بابتبه تقاضا
میشود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد
اسلامی واحد مشهد، اداره دانش
آموختگان ارسال نمایید.

برگ سبز وسند کمپانی وانت مزدا ۲۰۰۰ مدل ۱۳۹۰
رنگ سفید روغنی به شماره موتور FEA۱۰۱۰۸ و
شماره شاسی ۷۹۱۹۳۷۱B۲۰۱NAGPXPEI شماره
پلاک ۴۸۳ ی ۳۷ ایران بنام سید ابوالفضل
حسینی اصل دکم ملی ۶۴۴۹۷۸۹۸۹۱ ممفوقد واز
درجه اعتبار اسقاط می باشد